

بررسی تکنیک لعاب پاشیده در سفالینه‌های ایران و چین

احسان هژبری^{۱*}، دکترعباس اکبری^{۲**}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان.

۲- استادیار، گروه دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان .

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۱۴ ، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۵/۲۵)

چکیده:

با رونق جاده‌ی ابریشم در اوایل اسلام، هنر سفالگری مناطق مختلف ایران و بخصوص شمال و شمال شرق تحت تاثیر صادرات سفالینه‌هایی از چین قرار گرفت. در این زمان رایج‌ترین شیوه‌ی تزیین لعاب در آن کشور، شیوه‌ی "سانسای" بود. لعاب سانسای از طریق این راه بازرگانی به ایران وارد شده و هنرمندان ایرانی به تقلید از این شیوه پرداختند. در این تکنیک که در ایران به نام لعاب پاشیده معروف شد، ابتدا سطح سفالینه‌ها را با گلابه‌ای سفید رنگ می‌پوشاندند، سپس این سطح با نقطه‌گذاری و تاش‌های رنگی که از اکسیدهای مس، آهن و کبالت تشکیل شده بود، رنگ آمیزی می‌گشت. این نقاط رنگی پس از ذوب در کوره خطوط و شکل‌های نامنظم اما درعین حال زیبا بوجود می‌آوردند. هم در ایران و هم در چین این روش به تنهایی و گاه به همراه روشهای دیگر به کار می‌رفت. با این تفاوت که در چین انواع تکنیک نقش برجسته با سانسای همراه بود. اما در ایران این تکنیک در ابتدا اگرچه با تقلید صرف از شیوه‌ی هنرمندان چینی و به صورت ساده انجام می‌گرفت اما به مرور با نوآوری‌هایی همراه گشت. از آن جمله می‌توان به استفاده همزمان از تکنیک اسگرافیتو یا نقش‌کننده بر روی سطح سفالینه قبل از لعاب‌کاری و همچنین همراه شدن خط کوفی به تقلید سفالینه‌های سامرا با این تکنیک اشاره کرد.

کلید واژه:

لعاب پاشیده، سفال نیشابور، سانسای چین، تانگ

مقدمه:

از جمله عوامل تاثیر گذار بر سفالینه های ساخت ایران چه در زمینه ی تکنیک های ساخت و چه در زمینه ی نوع تزئینات ، جغرافیای آن به عنوان یک مسیر تجاری مهم، در دوران گذشته بوده است. در این زمینه، گذر قسمت طویلی از جاده ی ابریشم از داخل خاک ایران باعث گسترش نقش واسطه بین تمدن های شرق دور، به خصوص چین و همسایگان غربی ایران، مانند عراق و سوریه می گشت. چین از طریق این شاهراه، تجارت خود را به ایران و از ایران به عراق، سوریه و مصر مرتبط ساخته و محصولات خود را صادر می کرد. از جمله کالاهای مورد تقاضای چین در این کشورها، صنایع دستی و بخصوص سفالینه های آن بود.

قرون اولیه اسلامی مصادف بود با ورود این سفالینه ها به ایران و از طرفی حضور هنرمندان چینی در دربار عباسیان. به این سبب تکنیک تزئینی این سفالینه ها، در بعضی نقاط ایران و بخصوص مناطق شمال شرقی رواج پیدا کرد. این زمان مصادف بود با حکومت سلسله ی تانگ در چین و تکنیک غالب برای تزئین سفال در این امپراطوری، لعاب " سانسای " یا همان پاشیده بود. لعاب پاشیده با ورود به ایران کم کم مورد استقبال هنرمندان و تجار قرار گرفت و بتدریج در بعضی نقاط مانند نیشابور، ری، گرگان و غیره مورد تقلید واقع شد.

در این روش ابتدا سطح را با لعابی به رنگ سپید پوشانده و سپس با نقطه گذاری و یا پاشش و چکاندن لعاب های مختلف از جمله لعاب سربی و یا اکسید های رنگی بر روی سطح و قرار دادن در کوره، تلاش می شد سطوح رنگی و نقوش نا منظم بر روی سطح سفالینه ایجاد شود.

اگرچه سفالگران ایرانی در ابتدای امر دست به تقلید از این شیوه زدند، اما در ادامه و به مرور با توجه به ذوق و قریحه خود، با نوآوری در این تکنیک، سبکی مختص به خود ایجاد کردند. در روش نوین، این هنرمندان قبل از نقطه گذاری با لعاب های رنگی، بر روی سطح خراشهایی ایجاد کرده و بوسیله ی این خراشها، نقشهایی کنده، به وجود می آوردند. بدین ترتیب بعد از مدتی لعاب پاشیده به دو شیوه ی متفاوت در ایران رایج گشت و تا چند قرن ادامه پیدا کرد. مقاله ی پیش رو می کوشد تا نحوه ی بومی شدن و تحول این شیوه از لعاب را در سفالینه های اسلامی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش تحقیق:

در این مقاله از شیوه ی توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه ای، سایت های معتبر و منابع مشابه دیگر دست به جمع آوری اطلاعات زده شده و در نهایت اطلاعات بدست آمده در جهت بدست آمدن نتایج تحلیل گشته اند.

پیشینه ی تحقیق:

در زمینه ی لعاب پاشیده در کتب مربوط به هنر سفالگری اشاره هایی اغلب به صورت کلی به این تکنیک شده، مهمترین این منابع کتاب *Nishapur pottery of the early Islamic period* نوشته ی چارلز ویلکینسون^۲ است. ویلکینسون با بررسی سفالینه های نیشابور فصلی را هم به لعاب پاشیده ی کشف شده اختصاص داده. همچنین از کتب مهم دیگر، می توان از کتاب سیری در هنر ایران، که تحت نظر آرتر آپهام پوپ^۳ و فیلیس اکرم^۴ به رشته ی تحریر درآمده، نام برد. در این کتاب با معرفی ظروف باقی مانده ی تزئین شده با لعاب پاشیده ، به بررسی این تکنیک پرداخت شده است.

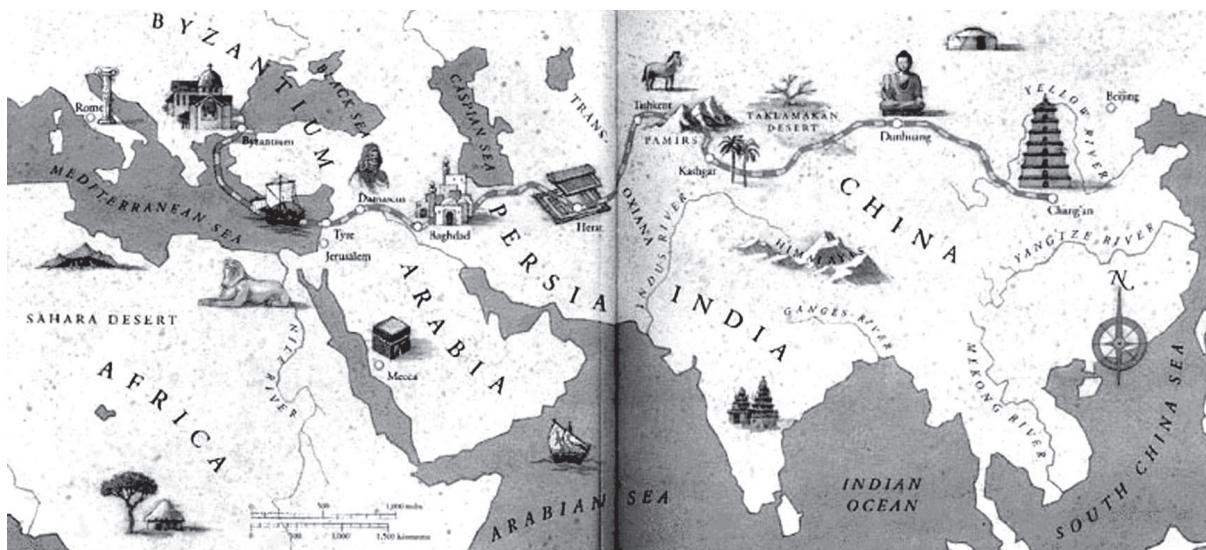
۱-۱) لعاب پاشیده در سفالینه های ایران:

در مورد لعاب پاشیده در سفالینه های ایران اگرچه این تکنیک در هنر سفالگری ایران رایج بوده، اما تاکنون تلاشی برای بررسی آن به صورت جز به جز و متمرکز صورت نگرفته و به این سبب با وجود به جای ماندن آثار مختلف، اطلاعات اندکی در مورد این شیوه به رشته ی تحریر درآمده است.

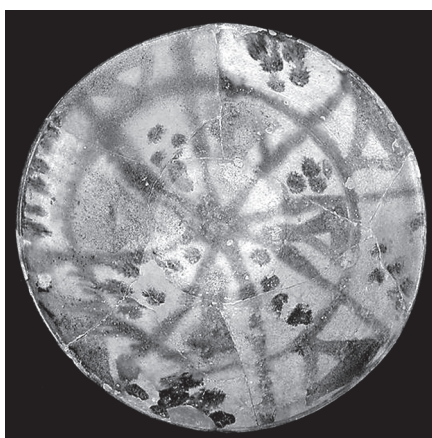
با توجه به شواهد می توان عنوان کرد که این شیوه در اوایل دوران حکومت سامانیان و به واسطه ی هنرمندان چینی و محصولات وارداتی آن امپراطوری ، به ایران وارد شد، « در قرن دوم هجری، همزمان با حکومت عباسیان ارتباط ایران باکشور چین گسترش یافته، بسیاری از دست ساخته های هنری چین از راه دریا و خشکی به سرزمین های اسلامی چون ایران و عراق و مصر صادر گردید. از طرف دیگر وجود هنرمندان چینی در دربار عباسیان باعث شد تا ذوق تلطیف یافته هنرمندان اسلامی و چینی در این زمینه نزدیکتر شده و در صنایع گوناگون، بویژه سفالگری در سرزمینهای اسلامی نوآوری هایی پدید آید. » (کریمی و کیانی ، ۱۳۶۴: ۲۱). در این زمان، خاندان حاکم بر سرزمین چین، سلسله ی تانگ بود و « ساخت نوعی سفالینه که همان شیوه ی تزئین با لعاب پاشیده است در چین متداول بوده و در اثر توسعه تجارت به کشورهای اسلامی صادر میشده است. » (همان : ۲۱). ورود لعاب پاشیده به ایران باعث ایجاد رغبت به این تکنیک در بین هنرمندان و صاحبان ثروت شده و بدین ترتیب این شیوه به مرور در مناطق مختلفی از ایران، بخصوص مناطق شمال شرقی و شهرهایی مانند نیشابور و مناطقی که در مسیر راه تجاری ابریشم قرار داشتند، رایج گشت، (تصویر شماره ۱).

۱-۲) آماده سازی سطح و مواد رنگی بکار رفته:

به منظور استفاده از لعاب پاشیده بر روی ظروف، ابتدا باید سطح ظرف آماده لعاب کاری می شده ، اما از آنجا که بدنه ی



تصویر ۱ - مسیر جاده ی ابریشم (مآخذ: www.wikipedia.org)



تصویر شماره ۲ - بشقاب سفالین تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده، نیشابور قرن ۹ و ۱۰ م. (مآخذ: www.metmuseum.org)



تصویر شماره ۳ - بشقاب سفالین تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده و نقش کنده، نیشابور، قرن ۹ م. (مآخذ: www.metmuseum.org)

این ظروف از سفال قرمز و یا نخودی رنگ ساخته می شد، « باید سطوحی به رنگ سفید مات برای پذیرش رنگ و لعاب فراهم می گردید. این مشکل به طریق دیگری قبلا حل شده بود و آن تقلید از لعابکاری اشکانیان در سلوکیه بود که با افزودن اکسید قلع به لعاب بدنه، سطحی برای نقاشی ابداع کرده بودند. سفالگران سامانی در سده ی سوم هجری، بدنه ی سفال سرخ رنگ ظروف را با آستر سفید و عاجی رنگ و نیز گاهی ارغوانی مایل سیاه یا زرد رنگ همراه با پوسته ای از دوغاب نرم گل سفید بدست آوردند. این همان روش دوره های باستانی ایران در چشمه علی، اسماعیل آباد، زاغه، سیلک ۳ و شوش ۱ است که پوسته ی ظروف را به پوشش نرم و لطیف رس اندود می کردند و می پختند و پوسته ای براق و دلنشین ایجاد می کردند. » (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۵۱)

پس از آماده سازی سطح کار با لعاب گلی، لعاب پایه سربی و رنگهایی که از ترکیب اکسید فلزات تهیه می گردیده بصورت لکه یا گاهی بصورت نقطه چین روی ظروف رامی پوشانده است. این لکه های رنگی پس از ذوب در کوره باعث ایجاد جلوه های رنگی زیبا بر سطح ظرف می شدند. بر روی ظروف پاشیده ساخت ایران از رنگ های سبز، آبی، زرد کهربائی و همچنین ارغوانی استفاده شده. این رنگها حاصل استفاده از اکسید مس، آهن و کبالت بوده است. (تصاویر شماره ۲ و ۳ و ۴)

۳-۱) شکل ظروف مورد استفاده:

از مجموع آثار باقی مانده که به شیوه ی لعاب پاشیده در ایران تزیین شده اند، به نظر می رسد سفالگر ایرانی در بیشتر موارد از ظروف مقعر و کشیده، مانند انواع بشقاب و کاسه برای تزیین استفاده می کرده است. سطح داخلی مقعر این ظروف بستر مناسبی بود برای به نمایش گذاشتن سبک لعاب پاشیده، (تصویر شماره ۵). همچنین در مواردی نادر از این تکنیک بر روی کوزه و گلدان نیز استفاده شده که از آن جمله می توان به چند گلدان کشف شده از تپه ی سبز پوشان و تپه ی مدرسه نیشابور اشاره کرد. (تصاویر شماره ۶ و ۷).

نکته‌ی جالب توجه در یکی از این گلدان‌ها، « کاربرد لعاب پاشیده بدون پوشاندن بدنه سرخ رنگ ظرف با انگوب سفید رنگ است. »، (Wilkinson, 1973: 64)، (تصویر شماره ۷).

گاهی نیز به جز سطح داخلی کاسه و بشقاب‌ها، بر روی سطح خارجی بدنه نیز به صورت محدود لعاب پاشیده می‌شده و در مواردی که دهانه‌ی ظرف به سمت داخل انحنا داشته و یا اینکه کشیدگی ظرف بیشتر از حد معمول بوده، این لعاب کاری با گستردگی بیشتری انجام می‌گرفته. به نظر می‌رسد این شیوه برای افزایش جنبه‌ی زیبایی و تزئینی ظروف بوده است، (تصویر شماره ۸ و ۹)

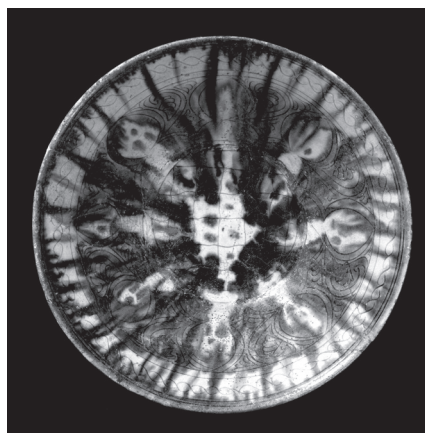
۴-۱) شیوه‌های اجرا:

سفالگران ایرانی در ابتدا در این تکنیک به تقلید همه جانبه از هنرمندان چینی می‌پرداختند. بدین شکل که سطح ظروف را به همان سبک ساده و تنها با استفاده از لکه‌های رنگی تزئین می‌نمودند. به مرور و با گذشت زمان هنرمندان سفالگردست به نوآوری در اجرا و تلفیق این تکنیک با تکنیک‌های باستانی خود زدند. بدینوسیله سبکی جدید پایه‌ریزی شد که در بین محققین معروف به لعاب پاشیده با نقش‌کنده (اسگرافیتو^۲) است. در این شیوه « پس از پخت سفال و تثبیت و استحکام پوسته و آستر بدنه و سطوح سفال، با ابزاری نوک تیز تزئیناتی را به صورت خطوط منظم یا نامنظم روی آستر نقر کرده، با لعاب‌های رنگین متضاد از جمله زرد طلایی، سبز، زرشکی و نارنجی با قلم مو و یا پارچه به صورت اشاره و تاش بر زمینه‌ی مرطوب نقش می‌کردند یا می‌پاشیدند، تا ته رنگ و اثر رنگ بدون قاعده درهم آمیخته شوند و در زمینه بدونند. با این روش رنگها در خطوط منقوش و حکاکی شده متراکم و انباشته شده و پرنگی و حرکت خطوط را در زمینه‌های رنگین چشم نواز می‌کردند. » (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۵۹). نقوش استفاده شده شامل نقوش گیاهی، هندسی و به ندرت حیوانی بود. (تصاویر شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲). استفاده از نقوش تزئینی گیاهی به صورت گلهای تزئینی واسلیمی که در ظروف فلزی دوره‌ی ساسانی متداول بود، مورد تقلید سفالگران قرار می‌گیرد. به عنوان مثال تصویر شماره (۱۲): این کاسه طی کاوشهای موزه متروپولیتن از تپه‌ی سبز پوشان نیشابور کشف شده است. « نقش این کاسه عبارت است از چهار طرح به شکل گل لاله و در بین آنها چهار طرح دیگر هست به شکل گل استکان. طرح گل لاله از گلهای کوچک و طرح گل استکان از خطوطی به شکل S و گلهای کوچک دیگر پر شده. همچنین در وسط کاسه از نقوش هندسی استفاده گشته. سادگی و زیبایی این ظرف، شخص را به یاد بهترین تزئینات ساسانی و یا یونانی می‌اندازد. » (Wilkinson 1973: 69)

اگرچه سفالگران ایرانی در این تکنیک چشم به شیوه‌ی چینی آن داشتند اما « در مواردی هم سفالگر تلاش کرده تا از ظروف سپید عراقی که دارای تزئین آبی و پاشش رنگ سبز بود، تقلید کند. تهیه تاشهای سبز چندان دشوار نبود ولی از آنجا که در شرق دوره‌ی ایران میانه کبالت وجود نداشت، لذا از نوعی رنگیزه سیاه ارغوانی استفاده می‌شد و همین کار جلوه‌ای متفاوت به ظروف می‌بخشید. » (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴). همچنین در بعضی از ظروف به تقلید از سفالگران سامرا معمولاً یک کتیبه‌ی تک خطی



تصویر شماره ۴- کاسه سفالین تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده، ری، قرن ۱۰ م. (مآخذ: کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۸۹)



تصویر شماره ۵- بشقاب سفالین با بدنه‌ای تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده و نقش‌کنده‌ی هندسی، نیشابور، قرن ۱۰ م. (مآخذ: www.metmuseum.org)



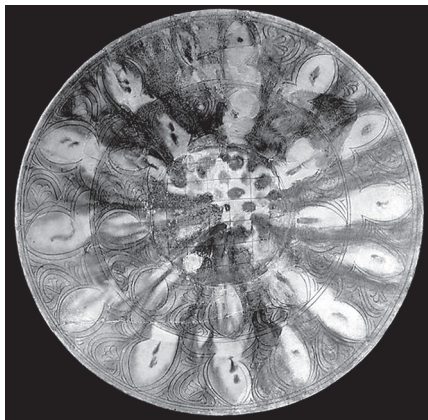
تصویر شماره ۶ (راست)- کوزه بدست آمده از تپه مدرسه نیشابور. قرن ۹ و ۱۰ م. (مآخذ: Wilkinson, 1973: 81)
تصویر شماره ۷ (چپ) - کوزه بدست آمده از تپه سبز پوشان نیشابور. قرن ۹ و ۱۰ م. (مآخذ: Wilkinson, 1973: 81)



تصویر شماره ۸- کاسه سفالین تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده، نیشابور قرن ۹ م. (مآخذ: www.metmuseum.org)



تصویر شماره ۹ - کاسه سفالین، تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده، نیشابور قرن ۹ م. (مأخذ: www.metmuseum.org)



تصویر شماره ۱۰ - بشقاب سفالین، بابدنه ای تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده و نقش کنده ی هندسی، نیشابور قرن ۹ و ۱۰ م. (مأخذ: www.metmuseum.org)



تصویر شماره ۱۱ - نمایی از بشقاب سفالین، تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده و نقش کنده پرنده، نیشابور قرن ۸ و ۹ م. (مأخذ: www.metmuseum.org)



تصویر شماره ۱۲ - بشقاب سفالین، تزیین شده به شیوه لعاب پاشیده و نقش کنده گیاهی، نیشابور قرن ۱۰ م. (مأخذ: www.metmuseum.org)

به خط کوفی از وسط ظرف شروع شده و در کناره ی ظرف اتمام می یافت، که کناره های ظرف با لعاب پاشیده، تزیین می گشت، (تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴)

۲-۱) تکنیک لعاب پاشیده در چین :

تکنیک لعاب پاشیده در چین، بیشتر با عنوان لعاب "سانسای" شناخته می شود. سان در زبان چینی به معنی سه و سای به معنی رنگ است. در حقیقت در این کشور لعاب پاشیده را به عنوان لعاب سه رنگ می نامند. نام گذاری به این اسم، مربوط به دوران معاصر بوده است. زمانی که حفاری های مربوط به راه اندازی راه آهن غرب به شرق چین در حال انجام بود، معابدی از دوره ی تانگ کشف شد و از آنجا که در حفاری های اولیه ظروف بدست آمده با لعاب پاشیده، دارای سه رنگ بودند، این نام بر آنها گذاشته شد. اگرچه در زمانهای بعدی، ظروفی با رنگهایی بیش از سه رنگ و یا گاهی با تنوع رنگی کمتر و متشکل از تک رنگ یا دو رنگ نیز کشف گشت، اما همچنان بر طبق عادت این نام برای این شیوه استفاده می شود.

همان طور که گفته شد کشف ظروف با تزیین لعاب سانسای مربوط می شود به کشف مقابری از دوره حکومت سلسله ی تانگ . سلسله ی تانگ از ۶۱۸ تا ۹۰۷ م بر چین حکومت می کردند. این دوره جز دوران طلایی تمدن چین محسوب می شود و مسیر پیشرفت در این سرزمین سریعتر طی شد. سفالگری از جمله زمینه هایی بود که در این دوران رشد یافت. مهم ترین این تغییرات بکار بردن شیوه های متفاوت در رنگ آمیزی ظروف و شاخص ترین شیوه ی نوین رنگ آمیزی که در این سلسله مورد توجه قرار گرفت، شیوه پاشیده یا سانسای بود. هنرمندان چینی که تا این زمان معمولاً در کارهای خود تنوع رنگی را بکار نمی بردند، با استفاده از این تکنیک دست به تولید ظروف چند رنگ زدند: « تکنیک لعاب پاشیده در چین نشان دهنده ی یک پدیده ی غیر معمول بود، چرا که اگر چه در چین تا آن دوره سفال با لعاب های پخت بالای تک رنگ سبز، سیاه و سفید تولید می گشت، اما لعاب های چند رنگ، جز سنت های چینی محسوب نمی شد. این نوع رنگ آمیزی به مرور در چین گسترش یافت.» (Jiang, 2009: 3)، (تصاویر شماره ۱۵، ۱۶ و ۱۷).

تاریخ مشخص از پیدایش اولین سفالها با لعاب سانسای هنوز به شکل دقیقی مشخص نیست. اما کاوشهای باستان شناسی نشان می دهد که اولین ظروف با تزیین این نوع لعاب از مقبره ای مربوط به «ژنگ رنتای»، شاهزاده ای که در ۶۶۳ م به دنیا آمده بود، کشف شده است.

۲-۲) مواد رنگی به کار گرفته شده :

رنگهای به کار رفته در ظروف سانسای چین طیف وسیعی را در بر می گیرند. از جمله : کهربایی، سبز، سفید، زرد، آبی، سیاه، قهوه ای و غیره . برای بدست آوردن این رنگهای متنوع، هنرمندان چینی از لعابهایی با پایه ی سربی استفاده می کردند. بدین منظور به طور معمول از دو نوع اکسید استفاده می گشت. این دو اکسید رنگی عبارت بودند از اکسید آهن و اکسید مس. اکسید آهن رنگهای کهربایی تا قهوه ای بوجود می آورد و اکسید مس طیف رنگهای سبز را تولید می کرد، (تصاویر ۱۸ و ۱۹). از دیگر موادی که بسیار کمتر مورد استفاده قرار گرفته، می توان به کبالت اشاره کرد. « در تولیدات دوره ی تانگ از نیمه دوم قرن ۷ میلادی از کبالت برای بدست آوردن آبی درخشان استفاده شد. » (Wood, 1999: 99)، (تصویر شماره ۲۰). از جمله

نکات قابل توجه که با بررسی نوع لکه گذاری ظروف چینی مشخص می شود این نکته است که اگرچه این لکه گذاری های لعاب بر روی ظروف به ظاهر تصادفی به نظر می رسد، اما در حقیقت با توجه به الگوهای تشکیل شده بر روی بدنه ها می توان این نتیجه را بدست آورد که هنرمند به صورت برنامه ریزی شده دست به لکه گذاری لعاب بر روی ظروف زده و همچنین از خواص لعاب و رنگها و میزان روانی لعاب بعد از ذوب در کوره به صورت کامل باخبر بوده است.

۲-۳) اشیاء سفالین استفاده شده:

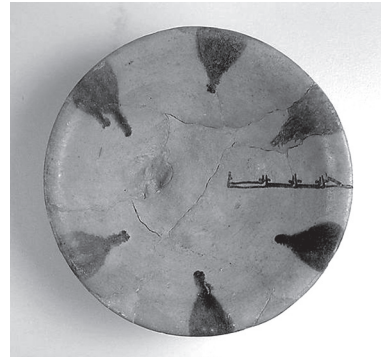
ظروف و اشیایی که با تکنیک سانسای تزئین گشته اند، انواع گسترده ای در بر می گیرد، پیکره های سوار کار و همچنین پیکره های حیوانات که بیشتر حیواناتی نظیر شتر، اسب و شیر را در بر می گیرند، بشقاب های متنوع، کاسه، کوزه ها و جام های سفالین از آن جمله هستند. در مورد کوزه های ساخته شده در این دوره می توان به این نکته اشاره کرد که « کوزه های سانسای شکل خود را از هند و ایران، بین النهرین و آسیای مرکزی به عاریت گرفته و همچنین از فرم های غنی چینی استفاده کرده اند. اشیاء کپی شده شامل اشیاء طلائی، نقره ای، برنزی، لاک، چوبی، شیشه ای، شاخی و سنگی بودن.» (همان: ۱۰۱)، (تصویر ۲۱ و ۲۲).

این تنوع اگرچه نشان دهنده ی کاربرد وسیع این نوع تزئین در دوره ی تانگ می باشد، اما با توجه « به اینکه ظروف سانسای چین از مقابر و مکانهای برگزاری تشریفات بدست آمده است، این نتیجه گرفته می شود که این ظروف برای استفاده ی عمومی و روزانه استفاده نمی شده است. در نبود مدارک مستند از دوره تانگ، می توان شواهدی را از ژاپن به عاریت گرفت. با توجه به شواهد بدست آمده از سانسای ژاپن که همزمان با دوره ی تانگ چین بود، بر می آید که این ظروف به صورت خاص برای مراسم تشریفات استفاده می شده اند، (Jiang, 2009: 5). همچنین استفاده از مواد رنگی مختلف که معمولا از قیمت بالایی برخوردار بودن، معمولا برای عوام ممکن نبوده و این مورد فقط در توان اشراف زادگان و بزرگان سلسله ی تانگ بود. این اشراف زادگان برای به رخ کشیدن ثروت و اموال خود دست به ساخت معابد و مقبره برای خود می زدند و در این مقابر ظروف و پیکره های رنگی را جاگذاری می کردند.

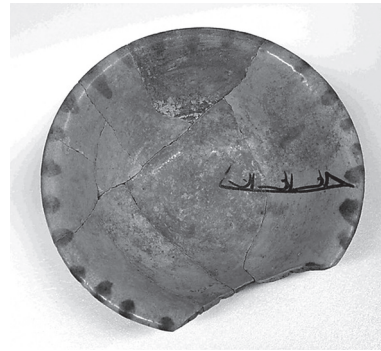
۲-۴) تکنیک های به کار برده شده:

لعاب سانسای به جز شیوه ی ساده که در آن به تنهایی به کار برده می شد، (تصویر شماره ۲۳)، گاهی همراه با روشهای دیگر نیز مورد استفاده قرار می گرفته. از جمله رایج ترین این تکنیک ها می توان از نقش برجسته نام برد. این شیوه به طرق مختلف همچون نقش برجسته بوسیله دست، یا به روش قالب زنی کاربرد داشته است. نقش برجسته های مختلف، شامل نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی برای تزئین روی دسته، پایه و بدنه ی ظروف استفاده می شده اند، (تصویر شماره ۲۴ و ۲۵).

تکنیک سانسای اگرچه در دوره های بعد نیز ادامه پیدا کرد اما در حقیقت دوره ی اوج آن، دوره ای ۷۵ ساله در سلسله ی تانگ بود و بعد از آن کم کم از



تصویر شماره ۱۳ - بشقاب سفالین، تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده و خط کوفی، نیشابور قرن ۹ و ۱۰ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



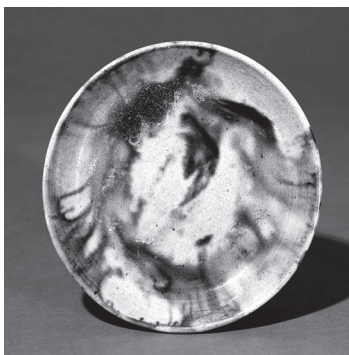
تصویر شماره ۱۴ - بشقاب سفالین، تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده و خط کوفی، نیشابور قرن ۹ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



تصویر ۱۵ - جام سفالین تزئین شده با سانسای، چین، سلسله تانگ، قرن ۸ و ۹ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



تصویر ۱۶ - کاسه سفالین تزئین شده با سانسای، چین، سلسله تانگ، قرن ۸ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



تصویر ۲۳ - بشقاب سفالین تزیین شده با سانسای، چین، دوره تانگ، قرن ۷ و ۹ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



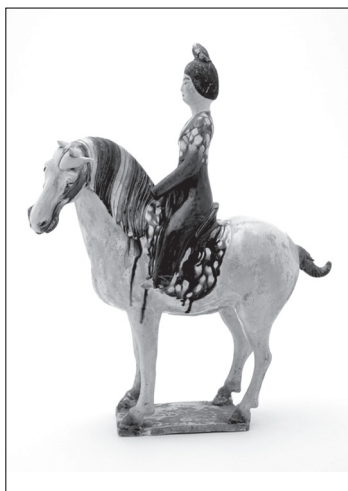
تصویر ۲۰ - جام سفالین، تزیین شده با سانسای، چین، دوره تانگ، قرن ۸ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



تصویر ۱۷ - جام سفالین تزیین شده با سانسای، چین، سلسله تانگ، قرن ۸ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



تصویر ۲۴ - جام سه پایه، تزیین شده به شیوه لعاب سانسای و نقش برجسته. تانگ، چین، قرن ۷ و ۸ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



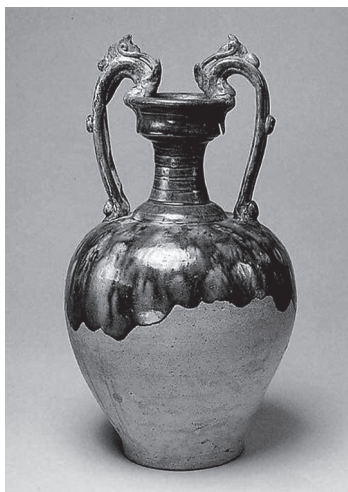
تصویر ۲۱ - پیکره ی آیینی، تزیین شده به شیوه سانسای، چین، سلسله تانگ، قرن ۸ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



تصویر ۱۸ - کوزه سفالین، تزیین شده با سانسای، چین، دوره تانگ، قرن ۸ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)



تصویر ۲۵ - کاسه، تزیین شده به شیوه لعاب سانسای و نقش قالب زده. تانگ، چین، قرن ۸ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



تصویر ۲۲ - کوزه ی سفالین، تزیین شده به شیوه سانسای، چین، سلسله تانگ، ۷ و ۸ م. (ماخذ: www.metmuseum.org)



تصویر ۱۹ - جام سفالین، تزیین شده با سانسای، چین، دوره تانگ، اوایل قرن ۸ م. (ماخذ: jameelcentre.ashmolean.org)

کاربرد آن کاسته گشت.

تطبیق و مقایسه تکنیک لعاب پاشیده در سفالینه‌های ایران و چین:

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان عنوان کرد که تکنیک تزیین ظروف با لعاب پاشیده در دو سرزمین ایران و چین دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. در رنگ‌های بکار گرفته شده، شاهد شباهت بسیار در دو کشور هستیم، زیرا که ماده‌ی رنگی قالب در هر دو نقطه، اکسید آهن و مس بوده که در لعابی با پایه‌ی سربی به عنوان لعاب رنگی استفاده می‌شده است. همچنین کبالت نیز گاه در مواردی به کار رفته، اما بدلیل اینکه این ماده در ایران گران و در چین نایاب بوده و قیمت بالایی داشته، بسیار کمتر به عنوان عامل رنگی لعاب استفاده می‌شده است. در این زمینه اگرچه کبالت از ایران به چین وارد می‌شده اما به دلیل شکوفایی تمدن چین و ثروت بسیار بزرگان سلسله‌ی تانگ به نظر می‌رسد تا حدی فراوانی استفاده از کبالت در ظروف و پیکره‌های چینی بیش از ظروف ساخته شده در ایران است.

در زمینه‌ی سفالینه‌هایی که با این تکنیک تزیین گشته‌اند، در ایران دامنه‌ی آن محدود می‌شود به ظروف مقعر مانند بشقاب‌ها و کاسه‌ها و در موارد بسیار اندک کوزه‌ها و گلدان‌های نادر. اما در سرزمین چین این روش به صورت گسترده‌تر و در ظروف و اشیاء سفالین مختلف اعم از بشقاب‌ها، کاسه، پیکره‌های حیوانی و انسانی، جام‌ها، کوزه‌ها و غیره بکار گرفته شده است. همچنین ظروف تزیین شده در ایران با این شیوه تماماً جنبه‌ی کاربردی و روزمره داشته‌اند. اما لعاب سانسای در تمدن چین جایگاه والایی داشته و علی‌رغم استفاده گسترده، بیشتر برای اشیاء بکار برده شده در معابد و مقابر و یا اشیایی که برای آیین‌های تشریفاتی کاربرد داشته‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله تفاوت‌های دیگر می‌توان به همراهی تکنیک‌های مختلف در دو کشور با این شیوه اشاره کرد. در ایران لعاب پاشیده بعد از مدتی با دو تکنیک دیگر همراه شد، که عبارت بودند از اسگرافیتو و خطاطی. هنرمندان مسلمان ایرانی نقش‌کننده را که قبل از اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفت با این تکنیک ترکیب کرده و شیوه‌ی جدید را به وجود آوردند. از طرفی تعداد معدودی ظروف بدسته آمده که در آنها به تقلید از شیوه‌ای که در سامرا جریان داشت، ایرانیان ظروفی را با خط تزیین کرده و دور آن را با لکه‌های لعاب سبز و یا آبی تزیین می‌کردند. در چین اما لعاب سانسایی به تنهایی و یا با همراهی تکنیک نقش برجسته به کار گرفته می‌شد و شواهدی دال بر همراهی این تکنیک با خط در این دیار وجود ندارد.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان نتایج زیر را بدست آورد:
(۱) آغاز این شیوه در ایران به حدود اوایل اسلام و همزمان با صادرات سفالینه‌های دوره‌ی تانگ امپراطوری چین از طریق راه ابریشم بوده است.

(۲) استفاده از اکسید مس، آهن و کبالت، به عنوان مواد رنگی در این شیوه رایج و در هر دو کشور مشترک بوده است.

(۳) سانسای چین به تنهایی و با تکنیک‌هایی نظیر نقش برجسته استفاده می‌شد.

(۴) به رغم تقلید صرف اولیه از شیوه‌های چینی‌ها، به مرور هنرمندان ایران دست به نوآوری در استفاده از این شیوه زدند.

(۵) اسگرافیتو یا نقش‌کننده از قبل از اسلام در ایران رایج بود و با ترکیب شدن با شیوه لعاب پاشیده، تشکیل شیوه‌ی لعاب پاشیده با اسگرافیتو را داد.

(۶) به غیر از استفاده از اسگرافیتو، شیوه دیگری نیز مورد استفاده هنرمندان ایرانی قرار گرفت و آن عبارت بود از بکار بردن خط بر روی بشقاب‌ها به صورت تک خطی. این تک خط به کوفی نوشته می‌شد و اطراف آن با لعاب پاشیده تزیین می‌گشت. این شیوه به تقلید از سفاگران عراقی بنیان نهاده شد.

(۷) ظروف تزیین شده با لعاب پاشیده در ایران بر خلاف چین گستردگی زیادی نداشته است. در چین بر روی عموم سفالینه‌ها از جمله: بشقاب، کوزه، کاسه، پیکره‌های انسانی و حیوانی و... استفاده می‌شده است اما در ایران فقط محدود به انواع بشقاب و کاسه و در موارد اندک گلدان بوده است.


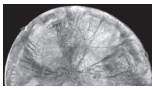




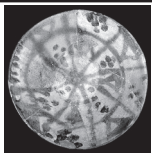







(۸) ظروف تزیین شده در ایران بیشتر دارای جنبه‌ی کاربردی بودند، اما در چین ظروف سانسای بیشتر برای مراسم‌های خاص و یا قرارگیری در معابد و مقابر استفاده می‌گشتند.

(۹) لعاب پاشیده تا سه قرن در ایران رواج داشت.

پی‌نوشت:

- 1.Sancai
- 2.Sgraffito
3. Charles k Wilkinson
- 4.Arthur Upham Pope
- 5.Phyllis Ackerman
- 6.Zheng Rentai

جدول شماره ۱- مقایسه مواد رنگی، تکنیک های بکار رفته و ظروف مورد استفاده در سفالینه های تزئین شده به شیوه لعاب پاشیده در ایران و چین. (مآخذ: نگارندگان)

چین			ایران		
مواد رنگی به کار رفته شده در لعاب سانسای	اکسید آهن			اکسید آهن	مواد رنگی به کار رفته شده در لعاب پاشیده
	اکسید مس			اکسید مس	
	کبالت			کبالت	
تکنیک های به کار گرفته شده به همراه لعاب سانسای	لعاب سانسای ساده			لعاب پاشیده ساده	تکنیک های به کار گرفته شده به همراه لعاب پاشیده
	لعاب سانسای به همراه نقش برجسته			لعاب پاشیده به همراه اسگرافیتو	
				لعاب پاشیده به همراه خط	
ظروف تزئین شده با لعاب سانسای	بشقاب ها			بشقاب ها	ظروف تزئین شده با لعاب پاشیده
	کاسه ها				
	جام ها			کاسه ها	
	پیکره ها				
	کوزه ها			گلدان ها	

فهرست منابع :

- اتینگهاوزن، ریچارد و دیگران (۱۳۷۶)، تاریخ هنر ایران، جلد ۷، ترجمه: دکتر یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- پوپ، ارتر آپهام و اکرمین، فیلیس (۱۳۸۷)، سیر هنر ایران، جلد چهارم، ترجمه: نجف دریا بندری و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۷)، فن و هنر سفالگری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۹)، سفال و سفالگری در ایران، تهران: انتشارات ققنوس.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۴)، هنر سفالگری در دوران اسلامی، تهران: اداره ارشاد اسلامی.
- گروبه، ارنست ج. (۱۳۸۴)، سفال اسلامی، جلد هفتم، ترجمه: فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ.
- Jiang, QiQi, (2009) A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements of Doctor of Philosophy, England: University of Oxford.
- Karetzky, Patricia Eichenbaum, (1996) Court Art of the Tang, United States of America: University Press of America.
- Wilkinson, Charles k, (1973) Nishapur Pottery of the Early Islamic Period, New York: Metropolitan Museum.
- Wood, Nigel (1999), Chinese Glazes, United States of America: university of Pennsylvania.

منابع اینترنتی :

- www.jameelcentre.ashmolean.org
(بازیابی شده در تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۱۲)
- www.metmuseum.org
(بازیابی شده در تاریخ: ۱۳۹۳/۴/۲۵)
- www.wikipedia.org
(بازیابی شده در تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۱۰)